

# دومین هم‌اندیشی

## دین

### از چشم سینما

## از نگاه شرکت کنندگان

#### اشاره:

دومین هم‌اندیشی دین از چشم سینما توسط حوزه هنری و همکاری فرهنگسرای خاوران از ۲۳/۱/۷۶ لغایت ۲۷/۱/۷۶، با شرکت جمعی از دست‌اندرکاران سینما، طلاب دینی، اساتید و دانشجویان، در تالار اندیشه حوزه هنری برگزار شد. آنچه در پی می‌خوانید، پاسخ برخی شرکت‌کنندگان در این هم‌اندیشی به پرسش‌های ذیل است:

۱- سینمای دینی چیست؟

۲- نظر خود را راجع به هم‌اندیشی بگویید؟

#### □ آقای کمال تبریزی، فیلمساز:

۱- سینمای دینی در واقع ارتباط پیدا می‌کند با سازنده آن سینما و با جهان بینی‌ای که سازنده اثر دارد و در کار او منعکس می‌شود. سینمای دینی منتج از فیلمسازی است که دیندار است و اعتقاد او به جهان بینی دینی سبب می‌شود که مجموعه کار به صورت یک سینمای دینی جلوه کند. مضاف بر این که اصولاً نسبت دین در زندگی آدمها، نسبت حقیقت به واقعیت است. ما نمی‌توانیم دین را به صورتی که الان متأسفانه در هم‌اندیشی توسط برخی از سخنران‌ها مطرح می‌شود، از سینما تفکیک کنیم و آن را مقوله‌ای جدا از دین بدانیم؛ بلکه دین یک نوع جهان بینی است که منطبق بر واقعیت و آغشته به زندگی ماست، حالا چه آدم دین‌داری باشیم و چه نباشیم. به نظر من سینمای دینی چهارچوب پذیر نیست؛ به خاطر اینکه دین مجموعه جهان بینی، فکر، اعتقاد و نوعی نگاه است که باعث رفتار، کنش و عمل ما می‌شود. بنابراین اگر بخواهیم آن را ضابطه مند کنیم و چهارچوب‌هایی را در نظر بگیریم و بگوییم که اگر اینها رعایت شود، سینمای دینی متولد می‌شود و مهم نیست که سازنده اثر چه کسی باشد. نتیجه آن همین سینمای سال ۷۵ می‌شود که با نظارت‌هایی که ارشاد اعمال کرد، نتیجه برعکس شد و به جای اینکه ما شاهد یک سینمای ارزشمند و

عمیق و دینی باشیم، به یک سینمای سطحی رسیدیم و آن عمقی را که ذات اصلی دین است در فیلم‌ها شاهد نبودیم.

۲- فکر می‌کنم خیلی خوب است. سمینارهایی که در ارتباط با سینمای دینی برگزار می‌شود باعث می‌شود تضارب افکار پدید آید و فضایی باز شود تا به صورت عملی کار کنیم و با مباحث تئوریک و فکری درگیر شویم و از کارهایی که در این زمینه انجام می‌شود، نتیجه بگیریم. منتهی مشکلی که در این هم‌اندیشی وجود دارد این است که ما خیلی کلی‌گویی می‌کنیم و وارد اجرائیات و جزئیاتی که در واقع ابزار دست فیلمساز است نمی‌شویم. شاید یکی از علت‌های آن این باشد که اندیشمندان دینی به تکنیک و کار سینما آشنا نیستند و از طرف دیگر، سینماگران هم کمتر به مقولات دینی و تئوریک توجه می‌کنند و پشتوانه‌های فکری آنان ضعیف است. اگر بتوان در این هم‌اندیشی‌ها، این دو دسته را به هم نزدیک کرد و با پرسش و پاسخی که بین آنها پدید می‌آید، موجبات برطرف شدن شبهات تئوریک و جزئیات اجرایی را فراهم نمود، بسیار مفیدتر خواهد بود.

#### □ آقای محمدرضا اصلانی، فیلمساز:

۱- در حال حاضر آنچه که در این هم‌اندیشی مورد مطالعه است، این است که اصولاً دین و سینما هر کدام نظرگاهشان نسبت به یکدیگر چیست و چگونه می‌توانند به یکدیگر نزدیک شوند. مثل رابطه‌ای که انسان با دین دارد؛ یک انسان دینی در واقع زندگی روزمره خود را می‌کند، منتهی اعمال او به نوعی نشأت گرفته از زندگی و دین اوست. اینها از هم تفکیک ناپذیرند. شما نمی‌توانید بگویید که انسان در حال راه رفتن مشغول عمل به یک امر دینی است یا هنگام نماز خواندن. همین قضیه درباره سینمای دینی هم صدق می‌کند. موضوع این است که سینما چگونه می‌تواند نفس زندگی و نفس حیات را مطرح کند. آیا می‌توان



کمال تبریزی

به عنوان سینمای دینی تحلیل کرد. نه اینکه برای خلق اثر هنری چهارچوب و محدوده تعیین کرد. به نظر من خلق یک اثر هنری حتی نوع دینی آن صرفاً در مواجهه تأثیرات و برانگیختگی‌های معنوی میسر است که در جریان ساخت از تکنیک و تفکر و همه امکانات مادی بهره‌مند شود و شرایط خلق اثر چه تصنعی و چه طبیعی باید بتواند لایه‌های عمیق روح انسان را برانگیزد، تا آنچه از به عینیت درآمدن حرکت روح منتج می‌شود را بتوان اثری هنری نامید؛ نه آنکه فردی با پیش فرض اینکه می‌خواهد یک اثر دینی خلق کند فکرش را متمرکز نماید و روحش را در تصرف یک هدفمندی مادی قرار دهد و تصور کند که چیزی خلق می‌کند. شاید نقطه افتراق همه آثار سینمایی که صرفاً یک تلاش تکنیکی هستند با آثار زیبای هنری، همین تصمیم‌گیری برای خلق هنر یا در مقابل جریان غیرقابل مقاومت خلق هنر قرار گرفتن باشد.

۲- سینمای دینی خود دارای هدفی است با مضامین تشریح، تبلیغ، ترویج، تحسین و تبیین دین. در این جا سینما خود در خدمت هدف مهمتری است و خواهی نخواهی در این نگرش، سینما ابزاری است برای نیل به هدف دیگری. به نظر من نباید استطاعت سینما را برای گستره دین بررسی کرد، بلکه باید مرزهای مکشوف و نامکشوف دین را ترسیم کرد تا بتوان تصویر درستی از یک چهارچوب به دست آورد و سرکشی‌ها و بی‌حد و مرزی سینمای جهان را در این چهارچوب گنجانند و ناهمواری‌ها، طغیان، ابداع‌گری و کنش و واکنش‌های معجزه قرن بیستم را در دایره‌ای که می‌خواهیم و معتقدیم و در نظر داریم مهار کرد.

□ آقای حسین ستاره، فیلمبردار:

۱- در این هم‌اندیشی یک تعریف جدیدی از دین و سینما در حال شکل‌گیری است. بر اساس تعاریف جدید یک اشتراکی بین دین و سینما حاصل می‌شود که شما این نقطه اشتراک را می‌توانید

سینما را متعالی کرد؟ آیا می‌توان مفاهیم اعلاء و مفاهیم جزئی دینی را مطرح کنیم؟

۲- این هم‌اندیشی به نظر من یکی از مهمترین مقاطع تاریخی است که در تفکر دینی دارد اتفاق می‌افتد. با این حرکت در واقع کسانی که حافظ دین هستند دارند تبدیل می‌شوند به حافظان سینما و حافظان هنر. همان جهتی که ما در قرون سوم، چهارم و دهم داشتیم که شاهی مثل شاه اسماعیل برای یک نقاش شمع‌نگه می‌دارد؛ مسلماً اگر این نقاش مشروعیت نداشت، شاه اسماعیل هرگز چنین کاری را نمی‌کرد. این مشروعیت و تقدس هنر نقاشی است که به شاه اسماعیل اجازه چنین کاری را می‌دهد. اکنون همین اتفاق باید بیفتد، به شرطی که ما بتوانیم دست‌اندرکاران سینما و اندیشمندان دینی را کنار هم قرار بدهیم. هریک از این دو جناح اگر بخواهند مستقل عمل کنند، هیچوقت به یک تکامل فکری نمی‌رسیم.

□ خانم آریتا حاجیان، بازیگر:

۱- هنر یک صورت مسئله نیست که برای حل کردن آن از تمهیدات تجربه کرده یا فرض شده سود جست. هنر یک حرکت معنوی است که از روح انسان آغاز می‌شود و در متکامل‌ترین نقطه اعتلای خود به آفرینندگی عینی می‌رسد و هیچ پیش‌فرضی هم ندارد. وقتی عنوان سینمای دینی مطرح می‌شود، این شبهه پیش می‌آید که آیا قرار است برای هنر سینما پیش‌فرض یا صورت مسئله‌ای در نظر گرفته شود تحت عنوان مذهب؟!

برای رسیدن به سینمای دینی و اهداف آن، می‌توان از راه تحقیق و مشاهده وارد شد. یعنی اینکه آثار خلق شده در طول تاریخ سینمای جهان را دید و بررسی و تقسیم‌بندی کرد و آن گروهی که نگاهی به دین و مذهب و تاریخچه این نیاز و باور روحی و ضرورت اجتماعی داشته‌اند را در یک رده ارزشگذاری قرار داد و

سینمای دینی، سینمای الهی یا هنر دینی بنامید. حتماً بین دین و سینما نقاط مشترکی وجود دارد. اگر در ذات یک استقلال یگانه برای این دو در نظر بگیریم؛ البته سینما نه به عنوان یک ابزار خاص، چرا که در این صورت استقلال ندارد، بلکه سینما به عنوان هنر که یکی از نمودهایش هم سینماست. در تعریف جدید، ما دین را به شکل گسترده تری نگاه می کنیم نه فقط اسلام، و سینما را هم گسترده تر نگاه می کنیم، یعنی به عنوان هنر.

۲- این هم اندیشی یک حرکت جدید است که نتیجه آن در پایان آخرین روز این هم اندیشی معلوم نمی شود، بلکه نتیجه آن از این به بعد در اذهانی که با این هم اندیشی در ارتباط بودند پیش می آید تا در سالهای بعد به بار بنشیند.

□ آقای محمدجواد عظیمی، استاد دانشگاه:

۱- سینمای دینی در بستر عمومی سینمای اندیشه می تواند مطرح شود، یعنی موقعی که انسان بتواند یک تصور درستی از ارائه اندیشه با زبان سینما داشته باشد. به لحاظ اینکه دین هم یکی از مفاهیم پایدار و قدیمی فرهنگ بشری است، طبیعتاً می تواند در سینما مطرح شود؛ منتهی سینمای اندیشه فقط یک رسانه نیست، بلکه خود دارای نگاه است. نگاهی خاص که توسط عناصر تشکیل دهنده سینما اقیاء می شود. اگر ما بخواهیم ببینیم که می توانیم سینمای دینی داشته باشیم یا نه، در حقیقت باید ببینیم که می توانیم این عناصر اقیاء کننده سینمای اندیشه را با اندیشه دینی همطراز بکنیم یا نه. جدای از این مباحث روزمره و عادی که برگرفته از جریانات اجتماعی ماست، اگر بخواهیم عمیق تر به مسئله بیانیشیم، در حقیقت سینمای دینی عبارت خواهد بود از تفکر روی این مسئله که ما چه مقدار می توانیم اندیشه های موجود در سینما را با اندیشه اندیشمندان و عالمان دینی هماهنگ بکنیم. برای این هماهنگی در هر دو طرف یک تصادم هایی وجود دارد. یعنی هم عالمان دینی نگاههای خاص خود را دارند و هم هنرمندان. باید ببینیم این تصادمها را چگونه می شود به صلح تبدیل کرد. من فکر می کنم که اندیشمندان دینی چون روی نگاه خودشان و سواس دارند و از زاویه حق و باطل به قضایا نگاه می کنند، اینها هستند که باید بیشتر دقت بکنند. سینما و هنرمند سینما نه مسئولیتی در مقابل حق و باطل دارد و نه آن احساس خطری را که در اندیشمندان دینی وجود دارد احساس می کند. فیلمساز اگر خطری را هم احساس کند، بیشتر در ارتباط با مخاطب و نگاه مخاطب

است. عالم دینی است که ورای نگاه مخاطب یک مسئولیت الهی در خود احساس می کند. لذا در جهت دینی شدن سینما و بهره گیری از این تکنیک خوب بشری، عالمان دینی باید بیشتر کار بکنند، زحمت بکشند و نگاهشان هم باید ورای مسائل جاری باشد. مسائل جاری مختص زمان ماست. مخصوص فضا و مکان خاصی است که ما در آن زندگی می کنیم؛ در حالی که دین پدیده مربوط به مکان و زمان ما نیست، هنر پدیده ای مربوط به مکان و زمان نیست. اگر یک مقدار اندیشه ها فراگیر باشد و برگرفته از تأثرات پیرامون ما نباشد، می تواند مفید باشد و زمینه طرح اندیشه های دینی در سینما را مثل هر اندیشه دیگری فراهم بکند.

۲- من احساس می کنم این گام ها باید برداشته شود. البته گاهی در فراز انجام می شود، گاهی در فرود. گاهی خوب است، گاهی متوسط است. ولی نفس جریان، حتی در جاهای دیگر دنیا هم، به همین شکل است. خود اینکه تعدادی از دوستان روحانی و هنرمندان کنار یکدیگر بنشینند و با هم گفتگو داشته باشند یک همدلی ایجاد می کند. هر همدلی ممکن است نقص داشته باشد، ممکن است تکامل هم داشته باشد. اما اصل قضیه خوب است. اینکه حوزه احساس کند باید روی سینما وقت بگذارد و سینما احساس کند که باید به نگاه دینی اهمیت بدهد.

□ آقای محمد مددیپور، نویسنده و استاد دانشگاه:

۱- سینمای دینی یک تجربه کامل است در قلمرو هنر از دین. سینماگر در عالیترین صورت تجربه دینی خود، حالا یک تجربه ای می کند در قلمرو سینما؛ همانطور که مثلاً حافظ در شعر کرده است. حالا اسمی از ائمه معصومین و انبیاء و اولیاء نمی بریم چرا که اصلاً این هنرها نازلتر از شأن آن بزرگان است. در شعر دوران اسلام یک طرف حافظ و بیدل، وسط فردوسی و خاقانی و گنجوی و در مرتبه پایین شاعران طبیعت قرار دارند. پس یک شعر طبیعت است، یک شعر حکمت است و یک شعر معرفت. سینما هم اگر انشأ... دوست سال دیگر، یک روزی فیلمسازان ما به قدر شهید آوینی دین دار باشند و ایمانشان به آن مرتبه برسد که بتوانند تکنولوژی سینما را در وجود خود ذوب بکنند، شاید این سینما مهار شود و بتوان تجربه دینی در آن کرد. در حال حاضر، در جهان کنون من سینمای دینی نمی بینم. آن چیزی که در غرب از سینمای دینی هست، یک سطح نازلی است از دیانت. به قدری که ما در غرب دین می بینیم، به قدر همان دین هم، آنها تجربه سینمایی





کنند، این ساختارها مانده گارند.

۲. به نظر من غلط است که این شکلی وارد این مباحث بشویم. ما باید جستجو را آغاز کنیم. جستجو در همه جا و همه چیز. این مثل سعی بین صفا و مروه می ماند. این سعی همه جا هست. تا سعی نباشد فرآورده ای به دست نمی آید. به نظرم محدود کردن هم اندیشی کار درستی نیست. این باید یک چیز بازی باشد تا خودش راه خودش را پیدا کند. یعنی یک جستجوی مطلق در همه حوزه ها. خوشبختانه در اینجا به سینما بدون تعصب نگاه کرده می شود. من فکر می کنم مراجعه به قرآن و متن خوانی و بررسی ساختارهای آن کمک مؤثری می تواند به ما بکند.

□ حجت الاسلام محمدجواد وارسته، از حوزه علمیه قم:

۱- تعبیر سینمای دینی به نظر من غلط است، چون در این صورت به ذهن خطور می کند که سینما را به دو قسمت تقسیم کرده ایم؛ در یک قسمت سینمای دینی قرار می گیرد و در بخش دیگر، هرچه غیر از این است، سینمای غیردینی تلقی می شود. ما که بحث سینمای اسلامی نمی کنیم. بحث ما سینمای دینی است، دین به معنای عام. اگر در سینمایی انسان مطرح باشد و او را به تفکر ببرد و در فرایند حس و خیال نگه ندارد، به نظرم این سینما، سینمای دینی است. انسان اگر تفکر نداشته باشد در فرهنگ ارسطویی برده است و در فرهنگ شیعه اصلاً انسان نیست، بلکه از حیوان هم پست تر است. یعنی فقط هم و غم او زندگی مادی است. انسان خصوصیتش تفکر است. انسان ناطق یعنی انسانی که متفکر است. اگر سینمایی مخاطب خودش را به تفکر بکشاند و او را در یک تراکم حسی و بمباران تصویری نگه ندارد [خیانتی که سینمای هالیوود به بشر می کند] و درد انسان را بیان کند و در پی حل مشکلات انسان باشد، این سینما به نظرم دینی یا به تعبیر درست تر، سینمای در پرتو دین است.

۲- آدم احساس می کند بعد از انقلاب همه به یک نحوی منتظر چنین گامی بودند. به نظرم این هم اندیشی خیلی دیر دارد برگزار می شود. الان اگر پای درد دل کسانی که این هم اندیشی را برگزار می کنند، بنشینید، معلوم می شود که از چه مشکلاتی عبور کرده اند و چه موانعی را پشت سر گذاشته اند که توانسته اند در این مقطع، این کار را انجام دهند. ولی در عین حال گمان می کنم که آن فضای

می کنند. یعنی مردم به قدر دین خود هنر دینی دارند، به قدر دین خود اهل سیاست دینی هستند و به قدر دین خود اهل اقتصاد دینی اند. حالا در جامعه ما چقدر اقتصاد دینی وجود دارد؟ اگر بگوییم اقتصاد دینی کامل داریم، پس سینمای دینی کامل هم می توانیم داشته باشیم. ولی حقیقت این است که سینمای ما در مراتب فوق العاده نازلی وجود دارد که شأن ندارند تا بتوانیم اسم دینی بر آن بگذاریم. البته مجموعه آثار شهید آوینی استثناء است. ایشان سینما را در وجود ایمانی خودشان جذب و هضم کرده بودند. ۲- من کلمه هم اندیشی را نمی فهمم. اگر ضیافتی، میهمانی یا هم سخنی می گفتید باز یک معنی داشت. اندیشه اصلاً جمع می نمی شود. آن چیزی که نام شور گذاشته اند در واقع بحث است. ما بحث می کنیم با یکدیگر، اما روح ما متحد نمی شود در حالت متعارف یک اندیشه را در یک آن عین هم دیگر بیانندیشم؛ و اصلاً تفکر فردی است. در یک زمان خداوند به دو نفر از یک جنس وحی نمی کند. اما شما به هم سخنی می آید و یک جایی می رسید.

□ حجت الاسلام ایدرم، از حوزه علمیه قم:

۱- رسیدن به سینمای دینی احتیاج به وحدت دانش و تکنیک دارد. من فکر می کنم که باید بیشتر به دنبال ساختار دینی سینما باشیم. هر هویتی یک ساختاری را ایجاد می کند و مقوله زیباشناسی سینما مربوط به این ساختار می شود، مربوط به وجودشناسی که در اندیشه ملاصدرا بی هم وجود دارد؛ که آفرینش و آن چیزی که در فرآیند دیدن است، مقدمه آفرینش است. ویژگی که سینما دارد این است که این فرآیند را از مادیت به سوی بعد متعالی که روح است نزدیک می کند. انسان متعالی، انسانی است که در ذات خود و همه چیزها تعقل می کند. اما آیا ما چنین علمی را داریم که ساختار بدهیم به انسان؟ یا نه، این ساختار را باید از یک منبع دیگر اخذ کنیم؟ ما این منبع را داریم. قرآن یک منبع کلی برای حیات بشر است. جاودانگی قرآن هم برای همین ساختار است. یکی از رموز زیبایی شناسی در هنر هم همین جاودانگی است. می بینید که این دو چقدر به هم نزدیک می شوند. پس اگر ساختارهای ما مطلوب و زیبا باشند و با وجود انسان قرابت پیدا

فرهنگی که پذیرش هنر دینی را داشته باشد، در انقلاب به آن نرسیدیم و این گام‌های اولیه رسیدن به آن نقطه است.

#### □ حجت الاسلام رفیعی پور، از حوزه علمیه قم:

۱- در این مورد به عقیده من بهتر است بگوییم دین سینمایی؛ یعنی دینی که برای سینما، حرفی برای گفتن دارد. در سینما دو مسئله مهم دخیل است. یکی محتوی و دیگری قالب. ما در مورد محتوی کم نداریم، در مورد قالب مشکل داریم. یک مقدار محدودیت‌ها هست. ما این محدودیت‌ها را می‌توانیم با وارد شدن به مقوله سینما و تکنولوژی و ابزار سینما، رنگ و لعاب بدهیم و نکات منفی آن را کم رنگ کنیم. من این را باور دارم که در آینده می‌توانیم در کنار دیگران وارد این صحنه شویم و فعالیت کنیم. افرادی معتقدند که غرب در خصوص سینما پیشتاز است. در حیطه تکنولوژی بله، این را انکار نمی‌کنیم، اما از نظر محتوی این ما هستیم که می‌توانیم با در استخدام گرفتن تکنولوژی در دنیا حرف اول را بزنیم. سینمای هالیوود دو بال دارد، بال اول خشم و بال دوم شهوت است؛ هر کدام از این‌ها اگر شکسته شود، سینمای هالیوود دیگر آن پرواز را ندارد. اما دین ما و قرآن ما سرشار از ایده‌های متنوع سینمایی است که می‌توانیم از آنها بهره بگیریم و افکار خود را به جهانیان عرضه کنیم.

۲- در هم‌اندیشی از آنجایی که قشرهای دانشجو، طلبه، اساتید و دست‌اندرکاران سینما کنار هم جمع می‌شوند و به تبادل نظر می‌پردازند، می‌تواند ما را به یک سینمای هدف‌دار نزدیک کند. حالا لزومی هم ندارد صرفاً یک آرم بزرگی به نام سینمایی دینی درست کنیم؛ ما باید به دنبال سینمای هدف‌دار باشیم که اهداف انسانی را بر ملا می‌سازد.

#### □ حجت الاسلام حسین ناصری، از حوزه علمیه مشهد:

۱- بنده در مقاله‌ای که به سیمنا ارائه کردم، عرض نمودم که هنر به معنای اعم و سینما به معنای اخص هیچکدام چهره دینی نمی‌توانند داشته باشند و در اساس و ذات خود دینی و غیردینی نیستند. هنر اساساً یک آفریده و مصنوع بشر است و دین در واقع ساخته و پرداخته دست خداوند است. یک تابلو نقاشی دینی ندارد. تابلو نقاشی در واقع کاری است از یک نقاش هنرمند بر روی بوم نقاشی که رنگ‌ها را به گونه‌ای با یکدیگر ترکیب کرده که تصویری به نمایش درآمده است. چیزی که می‌تواند نسبتی بین

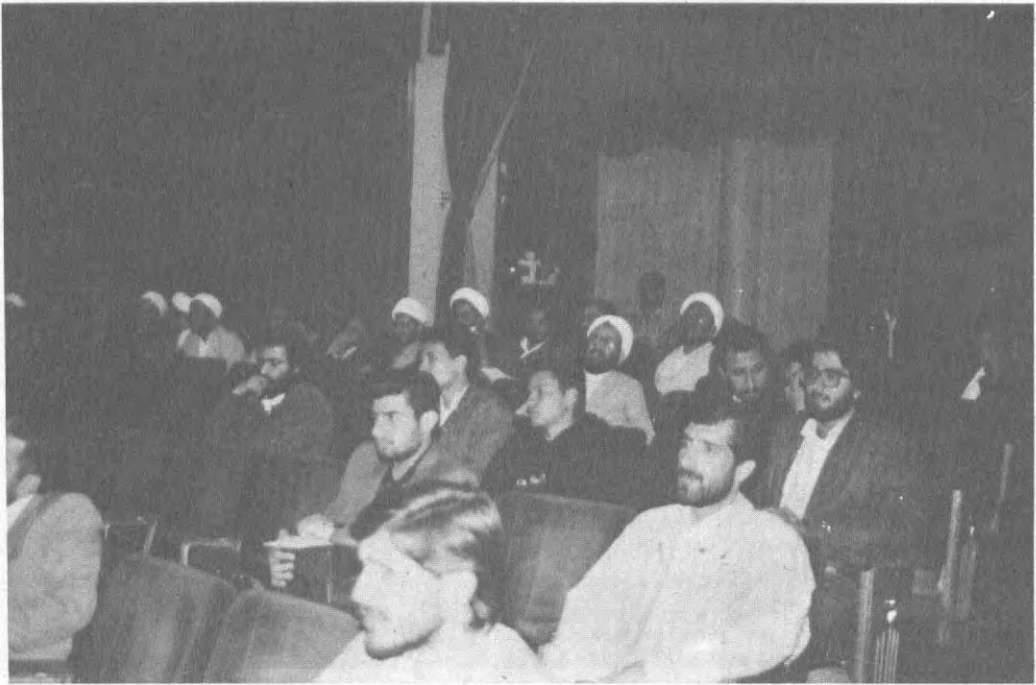
دین و هنر و همینطور بین دین و سینما به وجود آورد، مسئله به خدمت گرفتن سینما یا هنر است برای دین. یعنی هنر این توانایی را دارد که ارزش‌ها و ایده‌های دینی را متبلور و مجسم سازد؛ اما اینکه خود ساختار سینما دینی است به نظر من یک معنای نامفهومی است. همانطور که ما فیزیک، شیمی و علوم محض را به دینی و غیردینی نمی‌توانیم تقسیم کنیم، سینما را هم نمی‌توانیم، اما عوامل و عناصر سینما می‌توانند دین‌دار و متدین باشد.

۲- من متأثرم از اینکه هم‌اندیشی اخیر متأسفانه خیلی با استقبال دست‌اندرکاران سینما روبرو نشد. بیشتر کسانی که نظریه پرداز بودند، مثل دوستان حوزوی و دانشگاهی حضور داشتند. این خودش نقص است. ما همیشه شعار می‌دهیم که تحقیقات و پژوهش‌ها باید کاربردی و به نحوی در خدمت صنعت باشد؛ هم‌اندیشی مذکور هم در رابطه با صنعت فیلمسازی است. حالا یا دوستان فیلمساز دعوت نشده بودند و یا خودشان به دلایلی حضور پیدا نکرده بودند. این مصیبتی است. از مشهد آمدیم، یک هفته تعطیل کردیم، به هر حال چند ماه نشستیم در این زمینه کار کردیم. اینجا که می‌آییم حس می‌کنیم آنطور که باید مسؤلان این قضیه را به بازی نگرفته‌اند. امیدوارم که انشاء... انعکاس این مباحث در روزنامه و مجلات و صدا و سیما بتواند قدری از این نقیصه را جبران کند.

#### □ حجت الاسلام فیض‌آبادی از حوزه علمیه مشهد:

۱- با توجه به سخنرانی‌های انجام شده در هم‌اندیشی، به نظر من یک تعریف دقیقی از سینمای دینی نشد. حتی بعضی معتقد بودند که سینمای دینی وجود ندارد؛ ولی من فکر می‌کنم در یک برداشت کلی، هر نوع ارائه مضمونی در سینما که ضدیتی با ارزش‌های انسانی و اخلاقی و الهی نداشته باشد می‌تواند به نوعی سینمای دینی باشد. حتماً لازم نیست که ما قالب‌های دینی را در سینما بیاوریم و یا مثلاً یک فیلمی را با بسم... آغاز کنیم و با والسلام تمام بکنیم، یا یک سری شکل‌های دینی را در آن به تصویر بکشیم. اگر سینما یک پیام انسانی و اخلاقی داشته باشد، می‌تواند سینمای دینی باشد.

۲- این هم‌اندیشی شروع خوبی است، اما نمی‌توانیم فعلاً نتایج مطلوبی را برای این هم‌اندیشی مترتب بدانیم، ولی از این نظر که دوستان حوزوی درک عینی‌تری از سینما پیدا می‌کنند و هنرمندان سینماگر هم با یک جریان مترقی و خیلی منطقی از حوزه آشنا



راه بهتر بیان کردن احساساتم را بیابم بسیار خوب است؛ هرچند دوست داشتم خیلی سریعتر نتیجه می داد.

□ خانم نقلی، دانشجوی سینما:

۱- به نظر من، الان در سینمای ایران چیزی به نام سینمای دینی وجود ندارد. یعنی فیلم هایی که خاص خودمان باشد، فیلم های محدودی است که چندان گویا نیستند، سردرگم اند و مطلب خاصی را نمی رسانند. حالا مشکل یا در دید کارگردان های ماست که دید درست و برداشت صحیحی از دین خودشان ندارند که در این صورت باید آگاهی خود را بالا ببرند؛ یا اینکه اجازه داده نمی شود تا بتوانند حرفشان را بزنند، که در این صورت بهتر است دست و پال آنها را بیشتر باز بگذارند تا شاید بتوانیم از آنچه که اکنون هست و به نوعی تقلید سینمای فلسفی کشورهای دیگر است فاصله بگیریم. سینمای دینی باید هویت دینی کشورمان را نشان دهد. شما وقتی سینمای شوروی را می بینید کاملاً فلسفه آنها را متوجه می شوید؛ اما این قضیه در سینمای ما اتفاق نمی افتد. اگر هدف کارگردانی ساختن فیلم دینی است بالاخره باید چهارچوب خود را مشخص کند.

۲- این هم اندیشی کار بسیار خوبی است. کسانی که دعوت شده اند، مباحث خوبی را مطرح می کنند. اگر تعداد فیلم ها و روزهای نمایش فیلم را بیشتر کنند و اجازه بحث و شرکت همگان را فراهم آورند، خیلی بهتر می شود.

□ خانم شجاعی، دانشجوی سینما:

۱- سینمای دینی مختص به ایران نیست، بلکه مختص به کل

می شوند و حجابهایی که بین این دو وجود دارد، برداشته می شود، خیلی می تواند کارساز باشد. سینماگران ما بینش حوزوی را همیشه از زاویه ممیزی می دیدند، و طبیعی بود که از همان موضوع هم برخورد می کردند. ولی در این هم اندیشی نشان داده شد که حوزه تفکر خود را دارد و نمی شود از کانال ممیزی به اندیشه های حوزه کانال زد و آن را نقد کرد. بهترین اثر این هم اندیشی، همین همدلی و یکدلی بین این دو قشر است برای تدارک سینمای متعالی و اندیشمند.

□ خانم هاشمی، دانشجوی سینما:

۱- در این باره فکر می کنم گفته های تولستوی بسیار راه گشا و گویاست. او در کتاب هنر چیست می گوید؟ در دسر بزرگ آدمیان این نیست که خدا را نمی شناسند، بلکه این است که به جای خدا آنچه را که خدا نیست نشانده اند. این گفته درباره هنر نیز مصداق دارد. در دسر اصلی افراد طبقات ممتاز عصر ما به سبب نداشتن هنر دینی نیست، بلکه از این جهت است که به جای عالیترین هنر دینی یعنی هنری که برای ارزش و اهمیت خاصش از سایر هنرها ممتاز می گردد، هنری را برگزیده اند که بسیار بی ارزش و اغلب زیانمند است و هدف آن جز لذت جمع قلبی نیست و به سبب انحصاری بودن، مخالف آن اصل مسیحیت است که اتحاد عمومی آدمیان را در بردارد. بدین طریق ضرورت وجود یک هنر حقیقی دینی که باید زندگانی انسانها را بهبود بخشد از انظار پوشیده ماند.

۲- هم اندیشی دین از چشم سینما حرکت جالب و به جایی بود که اساتید محترم برگزار کردند و کاربرد آن برای من که یک دانشجوی سینما هستم و به عنوان مسلمان و انسان معتقد می خواستم



جهان است. ممکن است یک افریقایی با توجه به اعتقاداتی که نسبت به خداوند دارد بتواند عشق و اعتقاد خود را در قالب تصویر نشان دهد. سینما به نظر من باید حد و حدود انسانی را رعایت کند تا دینی شود. یعنی در درجه اول به شخصیت انسانی که یکی از تاکیدات الهی است، بخصوص به شخصیت زن توجه کند و از حالت غیراخلاقی خارج شود.

۲. اگر مباحثی که مطرح می شود در عمل پیاده شود خیلی خوب خواهد شد. همه باید این را درک کنند که سینما چون دنیای تصویر است می تواند هنر الهی و خدایی را بیشتر جلوه دهد. هنر در درجه اول از خداست، هنر را خداوند به انسان هدیه کرده و انسان آن را پرورش داده و شکوفا کرده، یکی از مظاهر هنر هم سینماست. چقدر خوب است که عالمان دینی خود را از محدوده مسائل دینی فقه ای خارج کرده اند و به هنر پرداخته اند که جلوه ای از جلوه های خداست.

#### □ آقای یعقوبی، دانشجوی سینما:

۱- همانطور که استوارت میل گفته است: امت لیبرالی در یک جامعه لیبرالی رشد می کند. مسلماً سینمای دینی هم در یک جامعه دینی به وجود می آید، چنین جامعه ای دارای یک علائم، هسته و پوسته خاصی است که اگر بخواهیم پوسته یا همان مسائل فقهی را به عنوان ملاک و معیار سنجش سینمای دینی قرار دهیم، به خطا رفته ایم؛ چرا که تا هسته اصلی آن که روح دین است و در آن معرفت های فلسفی، دینی، عرفانی و هنری دخیل هستند در یک جامعه متبلور نشود، نمی توان شاهد معرفی درست پوسته آن مذهب بود. در این زمینه اولین کاری که باید صورت پذیرد پرداختن به مقدمات است. پرداختن به مسئله انسان شناسی و معرفت شناسی است که در فلسفه هست. و در اینجا خیلی بی رنگ و بو به آن می پردازند. مسلماً انسان شرقی، انسان ایرانی و انسان اسلامی کاملاً منفک از انسانی است که غرب در رمان و فیلم هایش به تصویر می کشد. ما باید مشخص کنیم انسانی را که دین می خواهد معرفی کند آیا انسان متعارفی است که در سینمای جامعه شناسی و روان شناسی مطرح است یا انسانی است که می تواند مثل مولوی یا حافظ باشد. متأسفانه اینجای قضیه جدی گرفته نشده که اگر یک کارگردان بخواهد یک انسان دینی را نشان دهد این چه انسانی است؛ انسان متعارف، قالبی و آماری است یا انسانی مانند حافظ.

۲- این هم اندیشی خیلی عالی است. بخصوص برای این حقیر

که به عنوان یک هنرجو به اینجا آمدم و با دنیای وسیع و عریض مواجه شدم. اینجا جایی است که اساتید می توانند با توجه به تعارضات و تناقضات موجود، اندیشه های خود را جهت دهند.

#### □ آقای محمدی، دانشجوی سینما:

۱- دین یک چیز کلی و فراگیر است. اگر فیلمی به دین از نظر ظواهر یا یک سری مسائل احکامی نگاه کند نمی توان آن را سینمای دینی نامید، یا اگر فیلمی در یک نظام دینی ساخته شود آن فیلم مثلاً بشود سینمای دینی. این عنوان به شکل کلی عنوان درستی نیست. اگر دین را چیزی کلی و فراگیر بگیریم و به عنوان یک ایمان درونی انسان و وسیله ای برای تعالی معنوی و روحی انسان قرار بدهیم، یک سینما و یک هنر سالم می تواند این کار را انجام دهد و وسیله خوبی برای بیان اهداف دینی باشد.

۲- صرفاً مکانی برای حرف زدن، عقده گشایی و اظهار نظر شخصی نباشد. باید به یک تکامل فکری برسند، بیانیه ای صادر کنند و در آینده دست آوردهای آن در سینما و تفکر سینماگران لحاظ شود و دست از سینمای روزمره و مبتذل بردارند و به یک سینمای متعالی و سینمایی که موجب تعالی اندیشه بشری شود برسند.

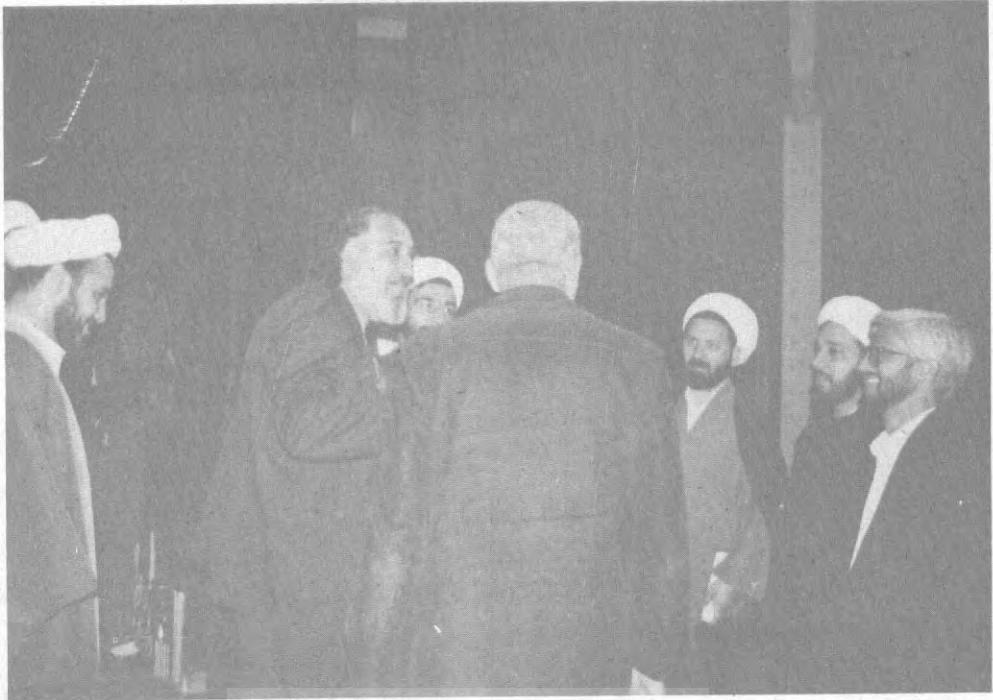
#### □ آقای امینی، دانشجوی دانشکده صدا و سیما:

۱- سینمایی که مفاهیم انسانی و موقعیت انسان در این جهان را بتواند خوب تصویر کند، به نظرم سینمای دینی است. من نمی دانم تا چه حد می توان گفت سینمای ضد دینی وجود دارد یا نه، فکر می کنم سینما در کل در خدمت بشر است و از این حیث هم در سینمای ایران و هم در سینمای جهان، سینمای دینی وجود دارد. انسان به هر حال در وجود خود گرایش ناآگاهانه ای نسبت به خدا و دین دارد.

۲- باید از جناح بندی خودداری شود. این هم اندیشی می تواند ویژگی های سینمای دینی را تبیین کند. در هر حال از مقالات ارائه شده خیلی استفاده کردیم.

#### □ آقای امیری، دانشجوی علوم سیاسی:

۱- در سینما ما نیازمند بکارگیری نمادهایی هستیم که جنبه شعائر دارند. شاید بعضی بگویند که اینها ریشه ای و عمقی نیست،



ببینند که سایر تفکرات به چه صورت به قضایا نگاه می کنند. اینها می توانند زمینه های بهتری را بسازد، منتهی زمان زیادی را می خواهد تا به نقطه نظر مشترک و مطلوبی برسیم.

۲- فعلاً قضاوت کردن راجع به هم اندیشی زود است. قطعاً می تواند کاربرد داشته باشد. همین قدر هم که طرح سؤال کند مؤثر است. □

ولی به نظر من ما احتیاج داریم که حالت های شرعی را در فیلم ها بیاوریم و نشان دهیم تا جا بیفتد و به تدریج به مسائله ریشه ای تر برسیم. اینکه حالا انتقاد شدید کنیم که این مسائل با ساختار فیلم نمی خواند و فقط دو رکعت نماز در فیلم برای رفع تکلیف بگذاریم به نظر من یک مقدار کم لطفی است، چرا که ما تا این مسائل را به کار نگیریم، نمی توانیم نقطه ضعف ها را پیدا کنیم و آنها را برطرف نماییم.

۲- خوب است. فقط زمانش کمی طولانی است. مباحثی هم که مطرح می شود به نظرم خوب و کاربردی است. البته اینها نقطه های آغازین است. سال گذشته هم اندیشی از زاویه نگاه دست اندرکاران سینما برگزار شد و امسال بیشتر به دنبال مسائل فقهی و استفاده از نظرات طلاب حوزه علمیه بود. سال آینده می تواند تلفیقی از این دو باشد. خود مسئله اما جای کار زیاد و نیازمند وقت بیشتری است.



□ آقای ذوالفقاری، فارغ التحصیل معماری:

۱- تا زمانی که چهارچوب و نظامهای واقعی هریک از این تفکرات دقیقاً مشخص نشود، نمی شود یک هم نشینی مناسبی داشته باشیم، زمانی که هنوز در جزئیات مسئله داریم. این هم اندیشی در صورتی موفق می شود که بتواند پایه های تفکر را تغییر دهد. جرقه های کوچک هیچوقت نتوانسته اند تحولات عظیمی را به همراه بیاورند، مگر اینکه به کرات تکرار شود. مردم ما و روشنفکران باید یاد بگیرند که چگونه می توانند به مسائل نگاه متفاوتی داشته باشند. نگاه خشک و تعصب را کنار بگذارند و

Handwriting practice lines with boxes for letters and dots for alignment.